محمد حسن « مسرور »

تاریخ نشر : 26 فبروری 2016 م

خاطرات ماندگاراز استاد بزرگوار مولانا دکتور سعیدافغانی

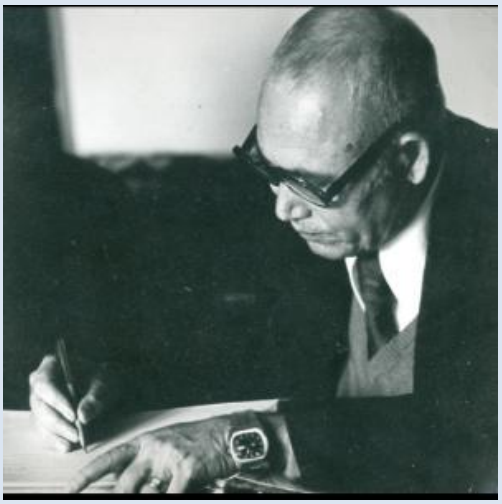

از اوانیکه هنوز بیش از یازده سالم نبود با اسمش آشنا شدم ، از بزرگان میشنیدم که در گهوارهء خانوادهء با معرفت بزرگ شده است.
پدرش مولوی عبدالمجید ، عالم جید آنزمان در فهم اصول ، حدیث، فقهه ، فلسفه و منطق از شهرت بسزایی برخوردار بود، شیفتگان علم و معرفت از دور ونزدیک بسراغش می آمدند و بخاطر کسب علم ودانش با زانو زدن یه پیشگاه او، کسب فیض میکردند.

مولانا سعید افغانی در چنان آغوش پر نور و معرفت بزرگ شد، راه پدر را پیش گرفت و غرض فراگیری دانش بیشتر شامل مدرسهء دارالعلوم عربی (یگانه کانون آموزش دینی آنزمان) گردید.

مولانا با داشتن استعداد سرشار ذاتی پیوسته مورد تقدیر و تشویق استادان قرار میگرفت ، بعد از فراغت درهمان مدرسه به مسلک شریف استادی گماشته شد و اما دیری نگذشت که مسولیت رهبری مدرسهء نجم المدارس را بدوش گرفت. دانش آموزان آن مدرسه بمدت ده سال از اندوخته های علمی اش بهره گرفتند. من نیز از او خاطرات ماندگاردارم واز جمله :

زمانیکه استاد مسولیت مدرسه ء نجم المدارس را داشت در حالیکه خود شاگرد مکتب بودم اقبال ملاقاتش میسرم شد، دراولین برخورد دریافتم که جاذبهء کلامشان خیلی اثر گذار و آموزنده است، خیلی آرام، ساده و متین صحبت مینمود و شنونده را بسادگی تحت تاثیر قرار میداد درهر جملهء صحبت او جهانی از مفهوم ومعنی نهفته بود.
شخص آزاد منش ضد استبداد وضد کرنش شناخته میشد، قاطعیت ومتانت کلامش به مزاج نان خوران بنرخ روز برابرنبود.

بخاطر دارم زمانیکه محمدظاهرشاه (پادشاه وقت) ازولایت ننگر هار بازدید مینمود « پادشاه معمولا همه ساله یکی دوبار به ولایات کشور سفر میکرد » و بروال همیشگی با بزرگان ، گروه ها واصناف مختلف همان محل به گفتگو میپرداخت .
مولانا سعید افغانی ؛ دریکی ازین مجالس از جایش بلند شد و با صدای رسا به پادشا گفت :
اعلحضرتا !
شما بهتر میدانید که ننگرهار یک ولایت مهم سرحدیست وهمسایگان محیل ومکارما پیوسته تلاش دارند تا زندگی مردم این جا را مختل سازند.
مردم این منطقه با پروبلم های متعدد که عمدتآ از جانب پاکستان ایجاد میگردد، مواجه اند.
لازم میافتد که یک نایب الحکومهء (والی) لایق و کاردان که توانایی لازم را در رفع این پروبلم ها داشته باشد، بخدمت مردم بگمارید و.. ....
این سخنان در حالی ایراد شد که نایب الحکومهء برحال خود عضو خاندان سلطنتی و از وابستگان دربار بود .
چنین صحبت دردورانی که استبداد واختناق بیداد میکرد چون بمی منفجر گردید و جو محفل را دیگرگون ساخت .

اختلافات میان نایب الحکومه و حواریونش با مولانا عمق و پهنای بیشتر یافت که دوام وظیفهء اودر چنان فضای غبارآلود مصلحت دیده نمیشد . بنآ ؛ مولانا رهسپار کابل شد و در یکی از مکاتب شهری مصروف تدریس گردید.
وی بعد از مدتی بحیث استاد منطق والهیات در کادر لیسهء عالی حبیبیه شهر کابل عز تقرر یافت که خوشبختانه این جانب نیز در صف شاگردان وی قرار گرفتم.
فهم ودانش، تمکین وبرخورد شریفانهء آگنده با دلسوزی ومحبت اوالگوی برازنده واستثنایی میان همه استادان آن لیسه بود.
موصوف نه تنها استاد بلکه دوست مهربان و پدر معنوی هر شاگرد شناخته میشد . مولانا در کنار تدریس غرض تنویر فکری شاگردان بکار فرهنگی نیز دست یازید و جریدهء هفتگی را بنام (اخلاق) در ویترین لسیه به نشر میسپرد که اینجانب نیز عضویت گروپ کاری آن نشریه را داشتم . « البته تاسیس این جریده قلمی ، نیم قرن قدامت تاریخی دارد » .

استعداد خاص مولانا در قالب محدود، امکانات آنزمان نمیگنجید ، لذا؛ غرض فراگیری مزید به جامعه الازهر مصر رفت و بعد از اخذ دیپلوم دکتورا بوطن باز گشت. و درهمان سال دفتری را به اسم « دارالمشورهء سعید افغانی » درجادهء سردارجانخان کابل گشود که به محل رفت وآمد روش بینان مبدل گشت.

هرگز فراموش نمیکنم :
وقتی بملاقاتش رفتم در پرسش نخست سطح جنیشها ووزنهء فعالیت های سیاسی میان جوانان را از من جویا شد واین جانب نیز درمحدودهء درک و گرایش فکری خودم پاسخ دادم .
سپس استاد خود به تحلیل اوضاع سیاسی پرداخت، از محتوای صحبت هایش دریافتم که مولانا علی الرغم آنکه تعلقی بکدام جریان خاص سیاسی ندارد . ولی؛ در کل ازهر جنبش روشنفکرانه ای که مبانی ملی ومردمی دا شته باشد ، حمایت میکند.

مسلماً دولت های وقت نیازمند استفاده از توانایی علمی و استعدادش بودند لذا؛ در جمهوری سردار محمد داود خان به حیث عضو شورای عالی قضا و بعد از سال 1357 بحیث رئیس تمیز ستره محکمه « قاضی القضات » تقرر یافت و متعاقبا به ادارهء جدیدالتاسیس شوون اسلامی توظیف گردید.
به نیروی تدبر او این اداره با سرع وقت بپا ایستاد وتوانست بانفوذ سریع در جامعه روحانی کشور به کانون تجمع علمای دینی مبدل گردد.

مولانا سعید افغانی دردوران کارش درین وزارت علی الرغم تمام فشارها با توظیف مشاورین خارجی سخت مخالفت کرد.
او وجود مشاورین خارجی را درادارات دینی حساسیت برانگیز وفاجعه بار میخواند درحالیکه « درآنزمان وجود مشاورین خارجی درکلیه ادارات ملکی ونظامی نیازمندی وموود روز شمرده میشد » .
مولانا سعید افغانی بصراحت اذعان کرد، افغانستان یک کشور اسلامیست و وزارت شوون اسلامی نه تنها که به مشاور خارجی نیازمند نیست ، بلکه حاضراست بکشورهای دیگر در عرصه اسلامی ، کمک نماید.

مولانا دکتور سعید افغانی بمثابه یگانه متخصص و کاراگاه علوم دینی والهیات در کشور ؛ با بسیج کردن علمای و روحانیون افغانستان، جبهه ای سراسری را ایجاد کرد ودین اسلام را چنین معرفی و تبلیغ کرد :
« د اسلام مقدس دین ؛ د عشق ، محبت او جذبی دین دی !
د اسلام دین اساس او بنست یو تربله د مینی ، گذاری ، مرسته ، تعاون ، ښو اخلاقو ، عفو ، صلی ، صداقت او اخلاق په مبادیو درول شوی دی . » .

ولی ؛ با دریغ ودرد که بیماری مجالش نداد و بعد از شصت وسه سال زندگی پر بار و پر افتخارش ؛ با مردم و جهان و داع کرد و بتاریخ « هفت حوت 1363 هجری شمسی ، مطابق 26 فبروری 1985 م » به ابدیت پیوست.

روانش شاد و یادش گرامی باد
محمد حسن « مسرور »
26 فبروری 2016 م ــ المان

باز گشت به صفحه اصلی ــ www.said-afghani.org